



چالش‌های قانونی پلیس با هنجار شکنان اخلاقی گردشگران استان مازندران

پدیدآورنده (ها) : دعاگویان، داود؛ اسدی فرد، محمد

علوم اجتماعی :: نشریه مطالعات پلیس زن :: پاییز و زمستان ۱۳۹۸ - شماره ۳۱ (ب/ISC)

صفحات : از ۳۷ تا ۵۳

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1676784>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۴/۱۱/۱۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر رضایتمندی گردشگران از دفاتر خدمات سیاحتی و جهانگردی استان مازندران با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی
- بررسی چالش‌های پلیس مبارزه با مواد مخدر در مقابله با انحراف پیش سازها از مسیر قانونی
- بررسی اثر سن بر ارتباط بین عوامل روانشناختی با یادآوری تجربه خاطره انگیز گردشگری، زنده کردن تجربه گردشگری و تمایل به بازدید (مطالعه موردی: گردشگران ایرانی استان مازندران)
- رضایت شغلی و عوامل سازمانی مؤثر با آن در کارکنان پلیس راهور استان مازندران
- رابطه توانمندسازی روان‌شناختی با رضایت زناشویی و کیفیت زندگی (مورد مطالعه: پلیس زن فرماندهی انتظامی استان مازندران)
- بررسی رابطه جو اخلاقی و عدالت سازمانی با رفتار شهروندی سازمان در سازمان آموزش و پرورش استان مازندران به منظور ارائه مدل
- تاثیر رهبری اخلاقی بر مسیر پیشرفت شغلی کارکنان، با نقش واسطه‌ای توانمندسازی روانشناختی در جمعیت هلال احمر استان مازندران
- رابطه عدالت سازمانی با رفتار شهروندی سازمانی پلیس؛ مطالعه موردی: کارکنان پاوا فرماندهی انتظامی استان مازندران
- تعیین سهم دستگاه‌های مرتبط با امنیت اخلاقی در استان مازندران
- بررسی معیارها و مؤلفه‌های مؤثر بر راه‌اندازی سامانه‌های هوشمند شهری با تأکید بر اولویت پلیس هوشمند (مورد مطالعه: استان مازندران)

بررسی چالش‌های قانونی پلیس در مقابله با هنجارشکنی اخلاقی

گردشگران استان مازندران

داود دعاگویان^۱ و محمد اسدی فرد^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۰۶

چکیده

زمینه و هدف: هنجارشکنی رفتاری است که فاقد سازگاری با ساخت کلی یک نظام، مضر در کارایی آن، مغایر با انتظار و توقع مردم و متمایز از آنچه معمول، متداول و طبیعی شمرده می‌شود است. هدف این پژوهش، بررسی چالش‌های پلیس امنیت اخلاقی در برخورد با هنجارشکنی اخلاقی گردشگران استان مازندران است. **روش:** پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا، آمیخته (کیفی و کمی) با تکنیک جمع‌آوری اطلاعات به روش دلفی یک مرحله‌ای است. جامعه آماری پژوهش را نخبگان و کارشناسان حوزه پلیس امنیت اخلاقی استان مازندران تشکیل داده‌اند و پس از مصاحبه در مرحله کیفی، به روش گلوله برفی با تعداد ۳۵ نفر و در مرحله کمی نیز این افراد از طریق پرسشنامه روا و پایا (آلفای ۰/۸۶۸) مورد پرسش قرار گرفتند. داده‌های نهایی نیز با کمک آزمون تی یک متغیره و فریدمن تحلیل شدند. **یافته‌ها و نتایج:** پژوهش نشان داد پلیس در مبارزه با جرایم منافی عفت با چالش مواجه است. این چالش‌ها هم قبل از وقوع جرایم و در مرحله پیشگیری و هم بعد از ارتکاب آن در مراحل مختلف دادرسی مانع از نقش فعال پلیس امنیت اخلاقی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: هنجار، جرایم منافی عفت، چالش، قانون، پلیس امنیت اخلاقی، گردشگر.

۱. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول): da.doagooyan@yahoo.com

۲. استادیار گروه اطلاعات دانشگاه علوم انتظامی امین: ۹۱۹@gmail.com@m.fard

مقدمه

نیروی انتظامی با هدف استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی، تنها نهادی است که با این حجم تعامل در عرصه‌های مختلف و در گسترده وسیع جغرافیایی حضور دارد. از آنجا مأموریت پلیس، مقابله با هر نوع هنجارشکنی و قانون‌گریزی است، بدیهی است که قبل از هرچیزی خود این نیرو و کارکنان آن باید دارای چنین ویژگی‌هایی باشند. فرماندهان این ناجا همواره بر این موضوع تأکید داشته و عنوان داشته‌اند که «پلیس باید با هر گونه مظاهر غیرهنجاری که از خط قرمز قانون و الگوهای هنجاری اجتماعی گذشته است، برخورد نماید و برخورد پلیس با بدحجابان و بی حجابان نوعی اقدام امنیتی در جهت رفاه و آسایش عمومی شهروندان است». به نظر می‌رسد که اجرای طرح‌های امنیت اخلاقی در همین راستا صورت می‌گیرد. با این توصیف، نتایج یکی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اگر چه مردم با اجرای طرح‌های مبارزه با هنجارشکنی اخلاقی موافق‌اند، لیکن نحوه اجرا و برخورد پلیس با هنجارشکنان اخلاقی را کافی نمی‌دانند (دعاگویان، ۱۳۹۱، ص ۱۸۹). با توجه به رشد دستگیری‌های ناشی از جرائم منافی عفت از سوی پلیس امنیت اخلاقی استان مازندران در طول سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ (گزارش‌های پلیس امنیت اخلاقی مازندران، ۱۳۹۶)، و با عنایت به اینکه مردم نیز خواستار برخورد پلیس با این گونه رفتارها هستند، این سوال مطرح است که پلیس چگونه باید با اینگونه از رفتارهای هنجارشکنانه اخلاقی گردشگران مقابله کند؟ اگر چه در بند ۸ ماده ۴ قانون ناجا، به صراحت به مقوله مبارزه پلیس با منکرات و فساد اخلاقی و همچنین پیشگیری از وقوع جرم در نقش ضابط قوه قضائیه اشاره شده است، و مطابق با قانون ناجا، پلیس چنین وظیفه‌ای را بر عهده گرفته است، اما به دلیل اتخاذ سیاست جنایی افتراقی توسط قانون‌گذار در مبارزه با جرایم منافی عفت و اثبات آن به تبعیت از شرع مقدس که قاعده در این گونه از جرایم مبتنی بر بزه‌پوشی است، پلیس امنیت اخلاقی در مبارزه با این جرایم با چالش‌هایی قانونی مواجه است. این چالش‌ها هم قبل از وقوع این جرایم و در مباحث مربوط به پیشگیری و هم بعد از ارتکاب آن در مراحل مختلف دادرسی مانع از نقش فعال پلیس امنیت اخلاقی در مقابله با گردشگران هنجارشکن در سواحل استان مازندران شده است. وجود چنین چالش‌هایی به ویژه در شهرها و استان‌هایی که در آن‌ها گردشگری به هر دلیلی بیشتر است نمود بیشتری داشته و موجب شده پلیس در مبارزه با چنین جرایمی انفعالی برخورد نماید. این پژوهش تلاش می‌کند به این سوال پاسخ دهد که چالش‌های قانونی پلیس امنیت اخلاقی تا چه اندازه در مبارزه با هنجارشکنان و مجرمین منافی عفت در بین گردشگران داخلی استان مازندران موثر هستند و در این راستا اهداف زیر را دنبال می‌کند:

- شناخت چالش‌های مربوط به رویه قانونگذار در برخورد قاطع پلیس امنیت اخلاقی با جرایم منافی عفت گردشگران استان مازندران؛
- شناخت چالش‌های مربوط به عدم آشنایی پلیس امنیت اخلاقی با وظایف و نحوه برخورد با جرایم منافی عفت گردشگران به عنوان ضابط دادگستری؛
- شناخت چالش‌های مربوط به اختیارات و محدودیت‌های قانونی پلیس امنیت اخلاقی استان مازندران در مبارزه با جرایم منافی عفت؛
- شناخت اولویت‌های هر یک از چالش‌های قانونی پلیس امنیت اخلاقی استان مازندران در مبارزه با هنجارشکنان و جرایم منافی عفت.

پیشینه پژوهش:

جعفری (۱۳۹۸) در پایان نامه خود با عنوان نقش کارکردهای فرهنگی در مدیریت پیشگیری انتظامی با استفاده از روش کمی پیمایشی و جامعه آماری نخبگان فرهنگی و کارشناسان ساعس ناجا نتیجه می‌گیرد که کارکردهای فرهنگی نقش بسزایی در مدیریت پیشگیری انتظامی دارد. ارزش‌های حاکم بر جامعه و اعتقادات مردم بوده که روح قناعت بر خانواده‌ها و ارزش معنوی شغل شریف انتظامی که همانا تامین نظم و امنیت اجتماعی جامعه است و همچنین می‌توان ارزش امنیت در دیدگاه اسلام را از جمله این عوامل محسوب کرد.

میر فیضی (۱۳۹۷) در پایان نامه خود با عنوان آسیب شناسی اقدامات مدیریت انتظامی در کنترل آسیب‌های اجتماعی استان مازندران با استفاده از روش تحقیق کمی از نوع پیمایشی و جامعه آماری فرماندهان و مدیران انتظامی و تعدادی از مدیران و مسئولین برون سازمانی استان مازندران نتیجه می‌گیرد که با توجه به آسیب شناسی اقدامات مدیریت انتظامی در کنترل آسیب‌های اجتماعی، باید بر پایه نتایج تحقیق اقدامات را در راستای اولویت بندی اقدامات اطلاعاتی و عملیات روانی در اولویت اول کنترل آسیب‌های اجتماعی قرار دارد و اقدامات پیشگیرانه اجتماعی، اقدامات عملیاتی انتظامی و اقدامات تعاملات بین سازمانی ف.ا. استان مازندران در اولویت‌های دوم تا چهارم قرار دارند.

دعاگویان (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان بررسی عوامل اجتماعی گرایش جوانان به ناهنجاری‌های اخلاقی (و اعمال منافی عفت) و ارائه راهکارهای پیشگیرانه «مطالعه موردی جوانان تبریز ۱۳۹۲» با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و جامعه آماری جوانان شهر تبریز (۴۶۰ نفر) نتیجه می‌گیرد که از بین عوامل اجتماعی که بر اساس مدل نظری تحقیق مشخص شده اند، فشارهای اجتماعی، یادگیری اعمال

منافی عفت از طریق دوستان ناباب، یادگیری نابهنجاری از طریق اینترنت و ماهواره بیشترین تاثیر را داشته است. همچنین کاهش کنترل و نظارت‌های اجتماعی از سوی خانواده و نهادهای انتظامی و آموزشی نسبت به رفتارهای جوانان، کاهش تعهد جوانان، ضعف خودکنترلی جوانان، افزایش جرأت جوانان در ارتکاب اعمال منافی عفت و برچسب زنی جامعه به جوانان از دیگر عوامل موثر در گرایش جوانان به هنجار شکنی تلقی می‌شود. با این وجود بر مبنای یافته‌های تحقیق پیشنهادهای اصلی تحقیق عبارتند از ضمن کاهش انعکاس رسانه ای جوانان هنجار شکن که نتایج عکس را در پی دارد، نقش‌های اجتماعی جوانان در جامعه بیشتر گردد و همکاری‌های پلیس نیز با نهادهای اجتماعی به منظور کنترل غیر رسمی افزایش یابد.

دعاگویان (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «اثر بخشی شیوه‌های برخورد پلیس فاتب با هنجارشکنان اخلاقی» و با هدف شناخت اثر بخشی برخورد پلیس فاتب با تیپ‌های مانکنی و روابط غیر هنجاری دختران و پسران در معابر عمومی و میادین با استفاده از روش پیمایشی و مطالعه بر روی سه جامعه آماری شهروندان، کارشناسان انتظامی و دستگیر شدگان پلیس امنیت اخلاقی نتیجه می‌گیرد که استفاده از دو روش مقابله ای و پیشگیرانه اثر بخشی متفاوتی بر عملکرد پلیس در مبارزه با هنجار شکنان اخلاقی داشته است. از نقطه نظر سه جامعه آماری، شیوه‌های پلیس در مواجهه با هنجار شکنان بیشتر مقابله ای بوده و این امر منجر به کاهش اثر بخشی طرح امنیت اخلاقی در کنترل هنجار شکنان شده است. شهروندان و متهمین اساساً مخالف هر نوع مبارزه پلیس (چه از نوع برخوردی و چه از نوع پیشگیرانه) با پدیده بی‌حجابی هستند و نظرات آن‌ها ناظر بر استفاده از روش‌های فرهنگی و اجتماعی است. همچنین از نظر شهروندان گشت‌های انتظامی تاثیر کمی در کنترل بد پوششی و بی‌حجابی دختران و پسران داشته اند.

مبانی نظری:

گردشگر: گردشگر یا توریست، از کلمه تور^۱ به معنای گشتن گرفته شده است (آکسفورد^۲، ۱۹۷۰، ص ۱۸۹) و به کسی گفته می‌شود که برای گردش و تماشای دیدنی‌ها به جایی سفر کند (معین، ۱۳۸۶، ص ۵۲۱)، از سوی دیگر گردشگری به فعالیت‌های افرادی اطلاق می‌شود که به مکان‌هایی خارج از محیط عادی خود به منظور گذراندن ایام فراغت، انجام کار و سایر هدف‌ها، برای مدت کمتر از یک سال می‌روند. به این ترتیب، محدوده گردشگری از مسافرت‌هایی که صرفاً به منظور گذراندن تعطیلات و سپری کردن چند روز برای دیدار دوستان و آشنایان و بازدید از مناطق جذاب انجام می‌گیرد، فراتر می‌رود.

1. Tour

2. Oxford

گردشگری در معنای وسیع آن، علاوه بر گروه اشاره شده، شامل افرادی می‌شود که در ارتباط با کار و حرفه خویش سفر می‌کنند و آنان که فعالیت‌های علمی انجام می‌دهند. به این ترتیب، دامنه تأثیرگذاری بر محیط و تأثیرپذیری آن از محیط، بسیار وسیع‌تر می‌شود. این جدیدترین تعریفی است که از طرف سازمان جهانی گردشگری ارائه شده است (فرجی‌راد و آقاجانی، ۱۳۸۸، ص ۶۲). بنابراین گردشگری مجموعه تعامل‌هایی است که در فرایند جذب و میهمان‌داری، بین گردشگران، سازمان‌های مسافرتی، دولت‌های مبدأ، دولت‌های میزبان و مردم محلی برقرار می‌شود (آقاجانی، ۱۳۸۳، ص ۱۲).

هنجار: از نظر اندیشمندان علوم اجتماعی، نرم^۱ یا هنجار به معنای گونیا، قانون، قاعده یا اصلی است که موجب هدایت یک رفتار می‌شود. با این وجود تاکنون تعاریف متعددی از این واژه ارائه شده است (بیرو^۲، ۱۳۸۰، ص ۲۴۸-۲۴۹). در اصطلاح جامعه‌شناسی هنجارها را آرمان، قاعده، هدف، مدل و الگوهای استاندارد شده رفتار می‌گویند. این الگوها نشان‌دهنده رفتار ایده‌آل یا مطلوب جامعه است (بیرو، ۱۳۷۵، ص ۲۴۸-۲۴۹؛ ستوده، ۱۳۷۳، ص ۱۹). هنجارها قواعد سنجش رفتار انسان (رفیع پور، ۱۳۷۸، ص ۱۴)، ابزارسازی فرد با جامعه (فرجاد، ۱۳۷۷، ص ۱۱-۱۲) و قوانین، طرز لباس پوشیدن، مقررات رسمی و اداری، احکام فقهی و شرعی، برنامه تحصیلی، قواعد ورزش‌ها و بازی‌ها، آداب و رسوم و نظایر آن است (محسنی، ۱۳۷۴، ص ۳۰). هنجارها به‌عنوان شیوه تنظیم جامعه، دو ویژگی مهم دارند: توسط اکثریت افراد جامعه رعایت می‌شوند و در صورت عدم رعایت نیز مجازات می‌شوند (رفیع پور، ۱۳۷۸، ص ۱۵). بنابراین هنجارهای اجتماعی را برحسب نوع مجازات می‌توان به «هنجارهای انتظامی»، یعنی هنجارهایی که دستگاه حاکمه در یک جامعه مسئول و متعهد به اجرای آن است و نقض آن موجب مجازات بیرونی و عینی مانند اعدام، زندان، جریمه و نظایر آن می‌شود، «هنجارهای مردمی»، یعنی هنجارهایی که انسان به‌خاطر شرم، ترس، شماتت یا مسخره دیگران شدن، بدنامی و امثال آن از این هنجارها پیروی می‌کند و «هنجارهای اخلاقی»، یعنی هنجارهایی که پیروی از آن‌ها معلول یک نیروی درونی است که مردم را به تبعیت از آن‌ها و می‌دارد تقسیم نمود (ستوده، ۱۳۷۳، ص ۲۱).

در مقابل مفهوم بهنجار، مفهوم نابهنجار مطرح می‌شود. نابهنجار رفتاری است که فاقد سازگاری با ساخت کلی یک نظام، مضر در کارایی آن، مغایر با انتظار و توقع مردم و متمایز از آنچه معمول، متداول و طبیعی شمرده می‌شود است (ساروخانی، ۱۳۸۰، ص ۱؛ آگبرن و نیمکوف^۳، ۱۳۸۰، ص ۲۴۵).

1. norm

2. Birou

3. Ogburn and nimkoff

از این رو جامعه‌شناسان نابهنجاری را زاده عدم هماهنگی نظام ارزشی با خواسته‌ها و عملکردهای افراد جامعه دانسته و افراد نابهنجار را هنجارشکن می‌نامند (سختوت، ۱۳۸۳، ص ۱۲۴؛ سلیمی، ۱۳۸۰، ص ۳۷؛ کوئن^۱، ۱۳۸۰، ص ۶۱). روان‌شناسان نیز سعی می‌کنند که هنجارشکنی را با مفهوم شخصیت تبیین کنند (رایکمن^۲، ۱۳۸۷، ص ۳۴-۷۵). اریک فروم^۳ رفتار هنجارشکنی را نتیجه شکست انسان در رسیدن به آرمان‌ها می‌داند (شولتز^۴، ۱۳۷۸، ص ۱۹۷). مورفی^۵ هنجارشکنی انسان را نتیجه در هم تنیدگی اوضاع روحی و روانی و تضاد پایه‌ای روان انسان با عوامل اجتماعی دانسته است (شولتز، ۱۳۷۸، ص ۲۲۳). به باور آلپورت^۶، هنجارشکنی نتیجه انگیزه‌های مخرب انسان در طول زندگی است. به اعتقاد او، انگیزه عامل اصلی رفتار است، در دوره‌های مختلف زندگی تغییر می‌کند و تحول شخصیت اصولاً مستلزم تغییر و تحول انگیزه‌ها است. او برای انگیزه‌های اجتماعی اهمیت بسیار قائل است و تأثیر آن‌ها را در رفتار بیش از نیازها و انگیزه‌های نخستین، چون غریزه جنسی و پرخاشگری می‌داند (رایکمن، ۱۳۸۷، ص ۲۷۶).

جامعه‌شناسان کارکردگرا از امیل دورکیم تا پارسونز و جامعه‌شناسان کارکردگرایی نظیر جانسون و اسملسر^۷، همواره بر ضرورت حفظ حالت توازن در جامعه تاکید داشتند. عناصر اصلی این حالت، همبستگی اجتماعی و انسجام است که به دلیل کارکرد بسیار مهم انطباق افراد با جامعه با انگیزه کسب اهداف آن‌ها انجام می‌گیرد. در نظریه کارکردگرا هر چند هنجارشکنی نوعی عارضه و بیماری اجتماعی شمرده می‌شود، اما این بیماری در روند حرکت اجتماعی ناگزیر به شمار می‌آید (فکوهی، ۱۳۷۸، ص ۷۸). از نظر جامعه‌شناسان، هر جامعه‌ای در طول حیات خود به دلیل افزایش تقسیم کار اجتماعی و پیچیده‌تر شدن روابط درون آن دائماً هنجارها، ارزش‌ها و نقش‌های اجتماعی جدیدی را به وجود می‌آورد که افراد باید خود را با آن‌ها انطباق دهند تا بتوانند در شرایط جدید اجتماعی جای بگیرند و همبستگی خود را در درون انسجام اجتماعی حفظ کنند. اما افراد جامعه همواره قادر نیستند این عمل را انجام دهند به خصوص اگر سرعت تغییرات زیاد باشد. نتیجه آن است که تغییرات اجتماعی می‌توانند سبب به وجود آمدن فشارهایی بر افراد شوند که در آن‌ها موجب ترس و اضطراب شده که سرچشمه انواع انحرافات است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۵۶).

هنجارشکنی از دید مرتن^۸ یک متغیر وابسته است که از سوی ساختارهای اجتماعی ایجاد می‌شود.

1. Coen

3. Erich Fromm

5. Murphy

7. Chalmers Johnson and Smelser

2. Raikman

4. Sohlutz

6. Gordon Willard Allport

8. Merton

مرتن، فرهنگ را در هر نظام اجتماعی به عنوان مهم‌ترین ساختار اجتماعی در نظر می‌گیرد و آن را علت رفتارهای آدمی در نظر می‌گیرد (توسلی، ۱۳۷۴؛ ریتزر^۱، ۱۳۷۴؛ محسنی تبریزی، ۱۳۷۴). از نظر مرتن افرادی که ابزار و وسایل لازم را برای حصول به اهداف فرهنگی ندارند و در عین حال ذهن‌شان به شدت با اهداف فرهنگی و تبلیغات پر شده، از راه‌های نامشروع جهت حصول به هدف‌های با ارزش استفاده کنند و بدین ترتیب هنجارشکنی به وجود می‌آید. همچنین بر طبق رویکرد محرومیت نسبی^۲، مردم همواره دست به مقایسه بین خود و امکانات طبقه بالاتر می‌زنند و از این نظر محرومیت نسبی و دست زدن به اعمال غیر قانونی برای رسیدن به سطح بالاتر برای همه به وجود می‌آید (سی گل^۳، ۲۰۰۱، ص ۲۰۴). نظریه محرومیت نسبی عنوان می‌کند افرادی که در مناطق حاشیه‌ای شهر زندگی می‌کنند و راهی برای ارضای نیازهای بنیادی خود نمی‌یابند، دست به هنجارشکنی و جرایمی مانند دزدی و تجاوز می‌زنند. البته محرومیت نسبی محدود به طبقات پایین نیست و افراد ثروتمند هم زمانی که در رسیدن به اهداف و آرزوهای خود ناکام می‌مانند، به ویژه زمانی که دستاوردهای خودشان را با دستاوردهای موفقیت‌آمیز قشر بالاتر از خود مقایسه می‌کنند احساس محرومیت و ناکامی می‌کنند و احتمال دارد از وسایل غیر قانونی برای دستیابی به هدف‌های مورد نظرشان استفاده کنند (برکویتز^۴، ۱۹۹۳، ص ۳۳۸، جوادی یگانه، ۱۳۷۸؛ صالح، ۲۰۱۳، ص ۱۵۶-۱۷۴).

هیرشی^۵ در نظریه پیوند اجتماعی، هنجارشکنی را نتیجه شکست و ضعف پیوندهایی می‌داند که فرد را به جامعه می‌پیوندد. او فرض می‌کند که همه افراد به طور بالقوه از قانون می‌گریزند، اما اکثر آن‌ها رفتار خود را تحت کنترل در می‌آورند به خاطر این که آن‌ها می‌ترسند که رفتار غیر قانونی‌شان به روابط آن‌ها با دوستان، خانواده، همسایگان، معلمان و کارفرمایان آسیب برساند. بدون چنین پیوندها و بستگی‌هایی و در فقدان حساسیت و توجه به دیگران، شخص در ارتکاب عمل مجرمانه خود را آزاد می‌بیند. هیرشی جامعه را به عنوان خرده فرهنگ‌های متضاد رقیب که سیستم‌های ارزشی منحصر به فردی دارند نمی‌بیند، چرا که اغلب مردم از کدهای قانونی و هنجارهای رایج آگاه‌اند (سی گل، ۲۰۰۱، ص ۲۳۸؛ صدیق سروستانی، ۱۳۸۳، ص ۲۰). به اعتقاد برخی جامعه‌شناسان، هنجارشکنی در جامعه نتیجه ضعف در عدم کارایی عوامل اجتماعی شدن فرد است که این مهم به دلیل ضعف عدم کارایی تربیتی خانواده، فرایند آموزشی و تربیتی مدرسه، تاثیر منفی گروه‌های همسالان، مسائل محیط‌های اجتماعی و کارکردهای منفی

1. Ritzer
3. seegole
5. Hirschi

2. Relative Deprivation theory
4. Berkowitz

و دوگانه این محیطها در ذهن و رفتار افراد و همنوایی فرد با برخی از انحرافات و کجرویهای اجتماعی است (سِلین^۱، ۱۹۹۹، ص ۲۷-۳۰؛ آلمتر^۲، ۱۹۵۹، ص ۴۹).

جرائم منافی عفت: عفت در آیات و روایات اسلامی به مفهوم خویشتن‌داری جنسی و مالی (پسندیده، ۱۳۸۸، ص ۱۷۲) آمده، اما در علم حقوق عفت فقط به پاکی جنسی اطلاق می‌شود. با این حساب عفت عمومی عبارت است از رواج خویشتن‌داری جنسی در متن جامعه. آنچه که در اسلام به آن توجه شده این است که حجاب، نگاهبان عفت است. نیروی قدرتمند حیاء، انسان را وادار می‌کند که با حفظ حجاب از عفت خود پاسداری کند (پسندیده، ۱۳۸۸، ص ۱۷۳). در قانون تعریف مشخصی از جرائم منافی عفت ارائه نشده است. مقنن در این زمینه حتی ضابطه و معیار خاص قانونی نیز ارائه نکرده است تا بر آن مبنا بتوان جرائم منافی عفت را شناخت. قانونگذار به جای این که جرائم منافی عفت را تعریف نماید تا مصادیق آن معلوم شود، مصادیق را احصا کرده است تا تعریف آن مشخص گردد. این روش را تعریف به مصداق می‌نامند و آن غیر از تعریف کلی، جامع و مانع می‌باشد که در علم منطق آمده است.

با این توصیف اصل ۲۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند. رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (ره) در سخنرانی ۶۱/۱۰/۱۸ چنین می‌فرماید: «توجه داشته باشید که همه در محضر خدا هستید و انسان همواره باید این‌گونه تلقی کند که خدا ناظر اعمال و رفتار او است. در جمهوری اسلامی غیر از گروه‌هایی که می‌خواهند به اسلام و مسلمین ضربه بزنند، نباید دنبال عیب دیگران رفت. باید آبروی مردم را حفظ کنید و در هر مسئله‌ای که پیش می‌آید ببینید خدا چه می‌گوید، همان را انجام دهید». فتوای رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای نیز گواهی بر عدم تحقیق در مورد جرائم منافی عفت است. ایشان در پاسخ به مسائل شرعی این نکته را بر می‌شمارند که در روابط شخصی، دخالت و تحقیق جایز نیست و پاسخ ایشان به سوال تحقیق در موارد مشکوک این است که اگر از مسائل شخصی افراد است جایز نیست مگر در مواردی که کشف توطئه یا جنایت مهمی متوقف بر آن باشد.

پلیس امنیت اخلاقی: به موجب قانون آیین دادرسی کیفری، کشف، تعقیب و پیگیری جرایم در اصول دادرسی عادلانه از اهمیت به‌سزایی برخوردار بوده و زمانی که طبق ادله اثبات دعوا هنوز مجرمیت کسی به مرحله اثبات نرسیده است، اقدامات بایستی تحت لوای اصل برائت انجام شود. نیروی انتظامی به‌عنوان یکی از ارکان بدنه قضایی نقش برجسته‌ای در شکل‌گیری دادرسی عادلانه داشته و می‌بایست در برخورد

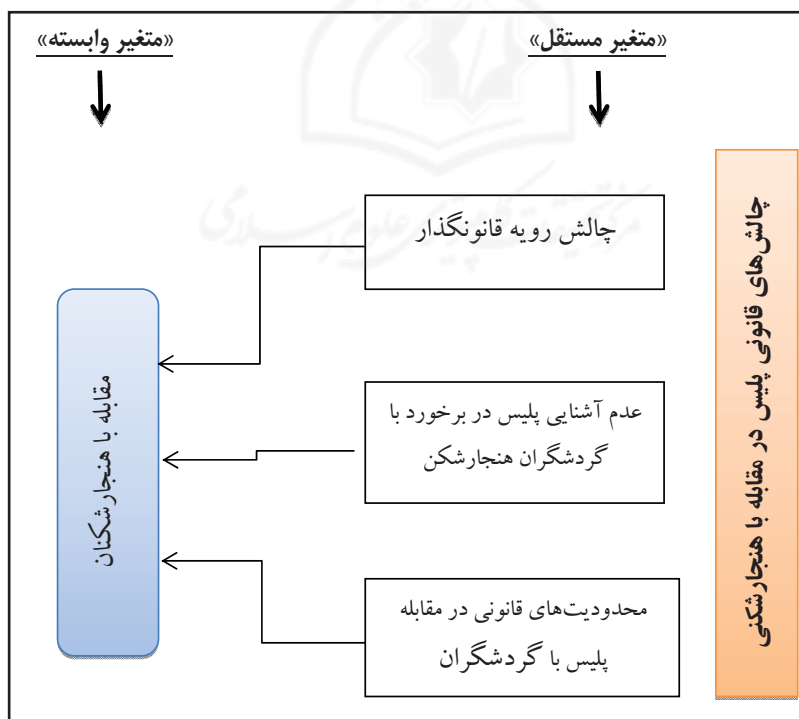
1. Sellin.

2. Almeter

با جرایم که به‌نوعی نظم عمومی را مخدوش می‌کند، تمام تلاش خود را صرف کشف، جمع‌آوری دلایل و ایجاد زمینه مناسب در رسیدگی به جرایم نماید (موسوی مقدم، ۱۳۸۵، ص ۷۵). از این رو، وظیفه پلیس امنیت اخلاقی در برخورد با جرایم منافی عفت، محدود به حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم بوده و پس از انجام اقدامات اولیه، ادامه روند پیگیری را به مقام قضایی محول می‌کند. چنین رویکردی ناظر به جرایم مشهود بوده و در جرایم غیرمشهود که مبتنی بر اعلام جرم توسط افراد و گزارشات واصله است، پلیس امنیت اخلاقی حق هیچ‌گونه مداخله‌ای را نخواهد داشت. برابر ماده ۴۴ ق. آ. د. ک، وظیفه ضابطان دادگستری به اعلام وقوع جرم به مقام قضایی (دادستان) محدود شده و آن‌ها فاقد اختیاراتی هستند که در مورد جرم مشهود ذکر شده است. در این صورت، اگر شکایتی واصل شود، ضابطان موظف‌اند شکایت را اعم از کتبی یا شفاهی همه‌وقت قبول کرده و پرونده را فوری نزد دادستان ارسال داشته و اگر هم به طریق دیگری پی به وقوع جرم ببرند آن را به دادستان اعلام دارند و برای اقدامات بعدی در انتظار دستورات وی باشند (خالقی ۱۳۹۴، ص ۸۱). در این مرحله هنوز مجرمیت شخص تحت تعقیب احراز نشده و باید در پرتو حاکمیت اصل برائت گام برداشت تا به بهانه حفظ نظم عمومی، بی‌جهت امکان سلب حقوق و آزادی‌های فردی فراهم نشود (شفیعی، ۱۳۹۴، ص ۹۲؛ اعتدال، ۱۳۷۷، ص ۷۳). با وجود این، نگاه اجمالی به رویه‌های قضایی موجود در دادگاه‌ها و دیوان عالی کشور به‌خوبی نشان می‌دهد که مراجع قضایی به تبعیت از قانون، دلایل معنوی - علمی را در قلمرو اثبات جرائم منافی عفت مورد توجه قرار نمی‌دهند. علی‌رغم وجود دلایل علمی شفاف بر وقوع جرم، توجه و انتساب آن به متهم مورد تعقیب، وقوع جرم را محرز ندانسته و متهم را تبرئه می‌کنند. این روش بارها تکرار شده و یک روش شناخته شده است. در حالی که دلایل علمی به‌راحتی می‌تواند برای قاضی اقناع وجدانی به وجود آورد، لیکن رویه‌های قضائی سعی بر آن دارد تا نسبت به روش دلایل قانونی کاملاً وفادار بماند. این در حالی است که در این روش قربانی جرم، بدون دفاع می‌ماند و حقوق او تضییع می‌شود. باید برای وی نیز چاره‌ای اندیشید و نگذاشت حقوق او پایمال شود. نباید امکان داد تبهکار از تحمل مجازات در امان بماند. در این باره می‌توان به رأی اصراری شماره ۲۵ مورخ ۱۳۷۶/۹/۱۱ هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور در رابطه با وفاداری به «قاعده قانونی بودن دلیل» اشاره کرد؛ طبق این رأی لواط به اقرار، با چهار بار اقرار در دادگاه اثبات می‌شود و جایگاهی برای دلایل علمی وجود ندارد (آخوندی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۵).

چالش‌های پلیس در مقابله با هنجارشکنی: قانون آیین دادرسی کیفری هرگونه تحقیق در جرم‌های منافی عفت را ممنوع کرده و دادستان هم اصولاً نمی‌تواند تعقیب کیفری را علیه متهم به جریان اندازد.

این ممنوعیت در اسلام مبنی بر لزوم بزه‌پوشی و منع اشاعه فحشا برقرار شده است (خالقی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۵). با این وجود اعمال این سیاست تا جایی معتبر است که به حق دیگران تعرض نشده باشد و در این امور بر پایه اصل حمایت از بزه‌دیده و جبران تألمات روحی و خسارات مادی وی پلیس به عنوان ضابط دادگستری وارد عمل شده و تحقیقات خود را آغاز می‌کند (صادقی ۱۳۸۹، ص ۱۷۸). در این بین پلیس به غیر از چالش‌های رویه قانونگذار و محدودیت‌های قانونی مقابله با گردشگران هنجار شکن با چالش‌های دیگری مانند تحقیق و بازجویی ونحوه برخورد با گردشگران هنجار شکن نیز روبرو بوده که از دو چالش قبلی نشات می‌گیرد. به عنوان نمونه چنانچه در لحظه وقوع جرم گردشگران، اگر کسی در آن محل حضور نداشته باشد (مانند کوچه و خیابان) و شاهدی وجود نداشته باشد، پلیس توانایی برخورد با هنجار شکنان را (طبق ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی و ممنوعیت هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است) ندارد و از نظر قانونی دچار مشکل است (خالقی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۵).



مدل تحقیق: چالش‌های قانونی پلیس در مقابله با هنجارشکنی اخلاقی گردشگران استان مازندران منبع: محقق

فرضیه‌های پژوهش: اگر چه چالش‌های زیادی در نحوه برخورد پلیس با هنجارشکنان مناطق ساحلی در جهت مبارزه با منافی عفت در این مناطق وجود دارد، اما در این پژوهش، این چالش‌ها بر پایه مبانی نظری به این شکل ارائه می‌شوند.

- پلیس با چالش رویه قانونگذار در مبارزه پلیس با گردشگران هنجارشکن مواجه است.
- پلیس با چالش عدم آشنایی پلیس در برخورد با گردشگران هنجارشکن مواجه است.
- پلیس با چالش محدودیت‌های قانونی در مقابله پلیس با گردشگران هنجارشکن مواجه است.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا، آمیخته (کیفی و کمی) با تکنیک جمع‌آوری اطلاعات به روش دلفی یک مرحله‌ای است. جامعه آماری پژوهش را نخبگان و کارشناسان حوزه پلیس امنیت اخلاقی استان مازندران تشکیل داده‌اند و پس از مصاحبه در مرحله کیفی، به روش گلوله برفی با تعداد ۳۵ نفر و در مرحله کمی نیز این افراد از طریق پرسشنامه روا و پایا (آلفای ۰/۸۶۸) مورد پرسش قرار گرفتند. داده‌های نهایی نیز با کمک آزمون تی یک متغیره و فریدمن تحلیل شدند.

یافته‌ها

۱- یافته‌های بخش کیفی:

یافته‌های این بخش مربوط به جمع بندی مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختار یافته نویسندگان از کارشناسان می‌باشد که در جهت اشباع نظری صورت گرفته است.

- ۱- چالش‌های قانونی پلیس امنیت اخلاقی در مبارزه با جرایم و هنجارشکنی اخلاقی گردشگران:
 - منع قانونی ضابطین در خصوص تعقیب و تحقیق .
 - سیاست قانون‌گذار مبتنی بر بزه‌پوشی و توصیه به اخفای آن.
 - عدم تعریف مشخص از جرایم منافی عفت و مصادیق آن.
 - عدم همراهی سازمان‌های متولی اخلاقی با پلیس.
 - عدم امکان تحقیق از جرایم اخلاقی گردشگران.
 - عدم داشتن تخصص لازم توسط ضابطین در موارد قانونی.
 - کمبود امکانات و عدم تخصیص بودجه کافی .
 - گستردگی و شیوع بیش از حد آن در جامعه.

- ۲- چالش‌های قانونی پلیس امنیت اخلاقی در کشف جرایم و هنجارشکنی اخلاقی گردشگران:
- پایین بودن اعتبار اقرار، شهادت از نظر قانون‌گذار.
 - نداشتن اختیار کشف جرایم منافی عفت توسط ضابطین.
 - تعامل و همکاری ضعیف مقامات قضایی با مقامات انتظامی.
 - بی بهره بودن ناجا از وجود مامور زن در زمینه گردشگران.
 - عدم امکان مداخله بدون شکایت شاکی یا به عنف و سازمان یافته بودن آن از نظر قانون‌گذار
 - مسائل مربوط به حریم خصوصی .
- ۳- راهکارهای مقابله با جرایم اخلاقی گردشگران کدامند؟
- پیشگیری اجتماعی از طرق مختلف مثل آموزش، تدین، مساجد.
 - پیشگیری وضعی از طریق پرهزینه کردن جرم اخلاقی گردشگران.
 - ایجاد ایستگاه‌های ایست و بازرسی در مبادی ورودی شهرهای گردشگری.
 - ارتقاء سطح فرهنگی و آموزه‌های دینی شهروندان.
 - کنترل و نظارت بر مراکز اقامتی گردشگران.
 - تهیه بروشور و آگه‌سازی گردشگران .
 - ایجاد مراکز و فضاهای مناسب گردشگری در چارچوب مقررات قانونی.
 - همکاری تمامی نهادهای مسئول و متولی در امر پیشگیری از جرایم.
 - احیای نهاد امر به معروف و نهی از منکر .
 - استفاده از ظرفیت نیروهای بسیج .
- یافته‌های توصیفی: ویژگی جامعه پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی جامعه پژوهش

تعداد نمونه(نفر)	سهم از کل(درصد)	بخش نخبگان	
۱۱	٪۳۱	کارشناسان قضایی و قانون گذاری	
۸	٪۲۳	جایگاه ۱۲ تا ۱۳	پلیس امنیت اخلاقی
۸	٪۲۳	جایگاه ۱۴ تا ۱۵	
۸	٪۲۳	جایگاه ۱۶ تا ۱۷	
۳۵	٪۱۰۰	جمع	

یافته‌های استنباطی: در این بخش فرضیه‌ها آزمون می‌شوند.

-آزمون فرضیه اول: چالش رویه قانونگذار در مبارزه پلیس با گردشگران هنجارشکن موثر است.

جدول ۲. تحلیل اطلاعات

آزمون تی تست یک متغیره				فرضیه اول چالش رویه قانونگذار
ضریب تی	درجه آزادی	میزان خطا	انحراف از میانگین	
۴۷/۱۲۸	۳۴	$P < 0.01$	۴/۱۹۳۷	

نتایج آزمون تی نشان می‌دهد که تفاوت معنی داری بین میانگین نظری تحقیق ($M=3$) و میانگین تجربی حاصل از نتایج آزمون ($M=4/1937$) وجود دارد ($p < 0.01$) و در نتیجه فرضیه تحقیق مورد تایید است. بنابراین بر پایه آزمون تی یک متغیره می‌توان گفت که به نظر کارشناسان چالش رویه قانونگذار در مبارزه پلیس با گردشگران هنجارشکن در حد زیاد دارد.

-آزمون فرضیه دوم: چالش عدم آشنایی پلیس در برخورد با گردشگران هنجارشکن موثر است.

جدول ۳. تحلیل اطلاعات

آزمون تی تست یک متغیره				فرضیه دوم چالش عدم آشنایی پلیس
ضریب تی	درجه آزادی	میزان خطا	انحراف از میانگین	
۶۳/۵۳	۳۴	$P < 0.01$	۴/۰۳۲	

نتایج آزمون تی نشان می‌دهد که تفاوت معنی داری بین میانگین نظری تحقیق ($M=3$) و میانگین تجربی حاصل از نتایج آزمون ($M=4/032$) وجود دارد ($p < 0.01$) و در نتیجه فرضیه تحقیق مورد تایید است. بنابراین بر پایه آزمون تی یک متغیره می‌توان گفت که به نظر کارشناسان چالش عدم آشنایی پلیس در برخورد با گردشگران هنجارشکن در حد زیاد دارد.

-آزمون فرضیه سوم: چالش محدودیت‌های قانونی پلیس با گردشگران هنجارشکن موثر است.

جدول ۴. تحلیل اطلاعات

آزمون تی تست یک متغیره				فرضیه سوم چالش محدودیت‌های قانونی پلیس
ضریب تی	درجه آزادی	میزان خطا	انحراف از میانگین	
۷۶/۸۱	۳۴	$P < 0.01$	۴/۲۳۱	

نتایج آزمون تی نشان می‌دهد که تفاوت معنی داری بین میانگین نظری تحقیق ($M=3$) و میانگین

تجربی حاصل از نتایج آزمون ($M=4/231$) وجود دارد ($p < 0/01$) و در نتیجه فرضیه تحقیق مورد تایید است. بنابراین بر پایه آزمون تی یک متغیره می‌توان گفت که چالش محدودیت‌های قانونی پلیس با گردشگران هنجارشکن در حد زیاد دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی چالش‌های پلیس امنیت اخلاقی برای مواجهه با جرائم منافی عفت پرداخت. مطالب مقاله و نتایج آن را می‌توان چنین خلاصه کرد:

- به دلیل ناشناخته بودن گردشگران در محیط‌های ساحلی مازندران توسط اهالی محلی، گردشگران به راحتی با پوشش‌های مختلف که حکایت از آزادی از قید و بندهای شناخته شده دارد در انظار حاضر و موجب ترویج ظواهر جرایم منافی عفت می‌شوند؛
- اعتقادات مذهبی و فرهنگ عمومی مردم ایران باعث شده جرایم منافی عفت جایگاه در خور توجهی داشته باشد اما قانون‌گذار ایران تعریف خاصی از این جرایم ارائه ننموده و تنها به ذکر مصادیقی همچون؛ زنا، لواط و... همراه با روابط نامشروع اشاره نموده است؛
- برابر مقررات آیین دادرسی کیفری، جرایم منافی عفت در ایران در صلاحیت مستقیم دادگاه قرار داشته و مقامات قضایی دادسرا و سایر دادرسان در رسیدگی نسبت به این جرایم با موانعی روبه‌رو هستند؛ از این رو، پلیس امنیت اخلاقی به عنوان ضابط عام دادگستری در مبارزه با جرایم منافی عفت با چالش‌های قانونی و محدودیت‌هایی مواجه است.
- با عنایت به نتایج مصاحبه با کارشناسان، پلیس امنیت اخلاقی در برخورد با این گونه جرایم که باسیاست بزه‌پوشی مواجه است، چنانچه به صورت مشهود ارتکاب یابد مکلف به انجام اقدامات اولیه هستند اما به دلیل محدودیت‌های زیادی که قانون دارد، برخوردها از حساسیت زیادی برخوردارند.
- رسیدگی و تعقیب جرایم منافی عفت، برابر قواعد پیش‌بینی شده در قانون آیین دادرسی کیفری به طور مستقیم در دادگاه مطرح شده و سایر مراجع حق هیچ گونه مداخله در این جرایم را ندارند؛ اما در رابطه با جرایم منافی عفت که دارای بعد تعزیری می‌باشند، اختیارات دادسرا و به تبع آن نیروی انتظامی در این حوزه وسیع تر بوده و چنانچه پلیس با جرایمی از این طیف برخورد کند، مکلف به حفظ آثار و ادله جرم و انجام اقدامات اولیه در جهت تشکیل پرونده نخستین بوده در گام بعدی می‌بایست تحت امر مقامات قضایی اقداماتی که در این چارچوب نیاز است انجام دهد.

- بیشتر چالش‌های پلیس امنیت اخلاقی مربوط به محدودیت‌های قانونی بوده و در کنار آن عدم همکاری مقام‌های قضایی با مقام‌های انتظامی منجر به افزایش ارتکاب و عادی شدن آن به ویژه در مناطق گردشگری شده است.
 - بر اساس نتایج آزمون آماری تی یک متغیره در مورد نظرات کارشناسان پیرامون چالش‌های قانونی پلیس امنیت اخلاقی در مبارزه با جرایم منافی عفت در بین گردشگران داخلی استان مازندران می‌توان گفت که پلیس امنیت اخلاقی استان مازندران با چالش‌های قانونی متعددی در مبارزه با جرایم منافی عفت روبرو است و این چالش‌ها به ترتیب اولویت عبارتند از:
 - چالش اختیارات قانونی پلیس در مبارزه با جرایم منافی عفت؛
 - چالش رویه قانونگذار در مبارزه پلیس با جرایم منافی عفت گردشگران؛
 - چالش عدم آشنایی پلیس با شرح وظایف خود در برخورد با جرایم منافی عفت.
- پیشنهادها:** براساس نتایج پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود.
- ۱- اقدامات پیشگیرانه بر اقدامات مبارزه ای علیه اعمال منافی عفت اولویت داشته باشد و پلیس در این زمینه با نهادهای اجتماعی و فرهنگی استان و استان‌های گردشگر فهرست همکاری داشته باشد. بنابر این ضمن احترام به حریم خصوصی گردشگران و پرهیز از بد بینی نسبت به آن‌ها پیشنهاد می‌گردد که پلیس با اعزام کارشناسان انتظامی به مناطق گردشگر پذیر استان با توزیع سی دی‌های آموزشی و طراحی سایت‌های پلیسی در جهت اطلاع رسانی اقدام کند.
 - ۲- مقنن می‌بایست در خصوص برخی ابهامات قانونی که در محتوای مقررات وجود دارد تجدیدنظر نموده و تعاریف شفاف‌تری ارائه کند.
 - ۳- با توجه به گسترش جرایم منافی عفت و انحرافات ناشی از فرهنگ‌های غربی که منجر به کاهش قبح برخی اعمال شده نیاز است در خصوص برخی جرایمی که ممکن است منجر به آسیب‌های روحی و روانی نسبت به بزه‌دیدگان شود، اقدامات منسجم‌تری انجام دهد و بدین ترتیب در جهت مقابله با باندها و سازمان‌های تبهکاری روند دقیق‌تری را در پیش گیرد.
 - ۴- در کنار پلیس امنیت اخلاقی باید دیگر نهادها و سازمان‌های مسئول و مطالعه شده در تحقیق حاضر نیز در جهت فرهنگ‌سازی و آگاهی‌سازی مردم در جهت پیشگیری از جرایم منافی عفت پیش قدم شوند.
 - ۵- سازمان‌های نظیر صدا و سیما و دیگر جرایم می‌توانند با آگاهی بخشی نسبت به عوارض و پیامدهای ارتکاب جرایم منافی عفت در انواع مختلف خود در پیشگیری از چنین جرایمی اقدامات موثرتری

داشته باشند.

۶- قانون‌گذار در رویه خود مبنی بر سیاست بزه پوشی جنبه‌های حمایت از بزه‌دیدگان را نیز در نظر گرفته و با تغییر رویه امکان تعقیب و تحقیق در خصوص جرایم منافی عفت را تحت شرایطی برای پلیس فراهم نماید.

۷- سازمان‌های مسئول با ایجاد مراکز و فضاهای مناسب گردشگری و تفریحی در چارچوب مقررات قانونی مانع از بروز اعمال منافی عفت گردند.

سپاسگزاری: در پایان مراتب سپاس و قدردانی خود را نسبت به کلیه صاحب‌نظران و مشارکت‌کنندگان در این پژوهش ابراز می‌دارد.

منابع

- آخوندی، محمود (۱۳۸۲)، اثبات جرایم منافی عفت از نگاهی دیگر، فصلنامه کتاب بانوان، شماره ۲۲.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۳)، حقوق جزای عمومی، جلد ۲ و ۱، تهران، نشر میزان. (چاپ هفتم)
- اعتدال، محمد (۱۳۷۷)، آیین دادرسی کیفری در نظام نوین قضایی ایران، چاپ اول، شیراز، انتشارات نوید.
- بیرو، آلن (۱۳۸۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساورخانی، تهران، انتشارات کیهان.
- پسندیده، عباس (۱۳۸۸)، اخلاق پژوهی، نشر سمت، تهران، ص ۱۷۲
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۴)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات سمت.
- جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۷۸) مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی، کتاب ماه علوم اجتماعی (۱۸)، فروردین: ۲۴-۲۱.
- خالقی، علی (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، نشر شهردانش، چاپ بیست و هفتم.
- خالقی، علی (۱۳۹۴)، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران، نشر شهر دانش.
- دعاگویان، داود (۱۳۹۴)، روش‌های تحقیق پیشرفته، تهران، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.
- دعاگویان، داود (۱۳۹۱)؛ اثربخشی شیوه‌های برخورد پلیس فاتب با هنجارشکنان اخلاقی «تهران ۱۳۹۰»، مرکز تحقیقات فاتب.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲)، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۲، ج ۹.
- رایکمن، ریچارد (۱۳۸۷)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران، انتشارات ارسباران.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸)، آناتومی جامعه، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸)؛ آنومی یا آشفتنگی اجتماعی، تهران، سروش، ص ۱۳.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۲)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، چاپ هفتم.
- ساورخانی، باقر (۱۳۸۰)، درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان، چاپ سوم، ج ۱، ص ۱۳.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۳)؛ مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، آوای نور، چاپ دوم.
- سخاوت، جعفر (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: دانشگاه پیام نور.

- سلیمی، علی؛ داوری، محمد (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی کجروی، تهران: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- شولتز، دوان (۱۳۷۸)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یوسف کریمی و دیگران، تهران، انتشارات ارسباران.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۶): حقوق کیفری اختصاصی، ج ۳، تهران: انتشارات ژوبین، چاپ اول.
- صدیق سروستانی (۱۳۸۳)، رحمت‌الله، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آن، چاپ دوم.
- فرجی راد، عبدالرضا و آقاجانی، سمیه، تحلیلی نو پیرامون گردشگری و جدیدترین طبقه‌بندی آن، فصلنامه جغرافیای سرزمین، سال ششم، شماره ۲۳، ۱۳۸۸.
- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۲)، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران، نشر نی، چاپ دوم.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۷۸)، خشونت سیاسی، تهران: انتشارات پیام امروز.
- فرجاد، محمدحسین (۱۳۷۷)، بررسی مسائل اجتماعی در ایران، تهران، اساطیر، چاپ اول
- کوئن، بروس (۱۳۸۰)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه: غلامعباس توسلی، رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- گی روشه (۱۳۶۷)، کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی زاده، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد،
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۱)، سیری مفاهیم و نظریه‌های خشونت، تهران: دانشکده علوم اجتماعی، نامه علوم اجتماعی شماره ۱۹.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۴)، بررسی وندالیسم در تهران، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- محسنی تبریزی (۱۳۸۳)، علیرضا، وندالیسم، تهران: انتشارات آن.
- معین، محمد (۱۳۸۳). فرهنگ فارسی معین، تهران انتشارات امیر کبیر.
- Saleh Alam (2013). Relative Deprivation Theory, Nationalism, Ethnicity and Identity Conflicts. Geopolitics Quarterly, Volume: 8, No 4, Winter 2013. PP 156-174.
- Siegel, Larry (2001). Criminology, London: Wwadsworth Publishing Company. Wan.
- sellin Thorsten (1999). Culture conflict and crime, Bollelctin.